

محدث ارموی،

روای شگوه ری

عباسعلی مردی

یارب حی میّت ذکره
و میّت یحیی باخباره
لیس بمیّت عند اهل النهی
من کان هذا بعض آثاره

او مدتی نیز به موازات تحصیل به کار پرداخت؛ از جمله مدتی در «داروخانه قزوینی» کار کرد که در همان مدت اندک چون چند بار اشتباهات نسخه‌ای پزشکان را اصلاح نموده بود. رئیس بهداری شهر پیشنهاد کرد که او خود تصدّی داروخانه‌ای را به عهده بگیرد، ولی او چون به دنبال تحصیل بود آن کار را رها کرد. در همان ایام زبان فرانسه را نیز آموخت.^۱

عطش شدید علم آموزی او را به سوی حوزه مشهد که در آن هنگام غنی و پررونق بود کوچ داد. در بین راه علمای شبستر از وی خواستند که سرپرستی حوزه آن شهر را به عهده بگیرد، ولی او نپذیرفت و به مشهد رفت.

چهار سال از آن حوزه پرفیض بهره برد تا آنکه قیام مسجد گوهر شاد پیش آمد، در این قیام گروه زیادی از طلاب و مردم دستگیر شدند و محدث که در مدرسه میرزا جعفر مشغول به تحصیل بود نیز به زندان افتاد.

پس از آزادی از زندان به تهران برگشت. او قصد داشت برای ادامه تحصیل به نجف برود، ولی در تهران به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و به تبریز رفت و در دبیرستان نظام تبریز مشغول تدریس شد.

در سال ۱۳۲۰ با چهره‌نمایی عفریت جنگ جهانی دوم از

مرحوم میر جلال الدین حسینی ارموی معروف به محدث ارموی فرزند میر قاسم در ماه مبارک رمضان ۱۳۲۳ ق/ ۱۲۸۳ ش در ارومیه به دنیا آمد. پسر بزرگ و فرزند اول خانواده و پدرش خرده مالک^۱ بود. از همان سنین کودکی عشق فراوان به خواندن و نوشتن داشت. در درس خواندن او، تشویق فراوان پدر بزرگش، میر عبدالله بی تردید مؤثر بوده است.

تحصیل را با خواندن گلستان سعدی، صد کلمه رشید و طواط، کلیله و دمنه و درّه نادری آغاز کرد و در حین تحصیل به تدریس نیز مشغول شد.^۲

پس از اتمام تحصیلات مقدماتی و فراگرفتن ادبیات فارسی به خواندن ادبیات عرب و علوم اسلامی روی آورد. صرف و نحو و فقه و اصول و فلسفه را سال‌ها در محضر اساتید دانشور آن شهر فراگرفت و با آنکه بنیه ضعیفی داشت و گاهی دچار بیماری می‌شد و پزشکان او را از مطالعه زیاد منع کرده بودند، در تحصیل جدیتی فوق العاده از خود نشان داد و در بین علمای شهر مشهور گشت و علی‌رغم آنکه در کسوت روحانیت نبود، مرحوم سید حسین عرب باغی ارموی (۱۳۶۹-۱۳۱۳ ق) او را به لقب «محدث» مفتخر ساخت.

۱. تعبیر از فرزند محدث ارموی است. (رک: تعلیقات نفیص، ص ۷)

۲. تعلیقات نفیص، ص ۷.

۳. مجله‌آینده، ۱۳۵۸، سال ششم، ص ۲۰۸، به نقل از فرزند مؤلف علی محدث.

اجازه ای است از شیخ آقابزرگ تهرانی و اجازه ای از شیخ محمد علی دزفولی.^۹

او فقط به دو جنبه از زندگی اهمیت می داد: یکی عبادت و ادای مناسک دینی و دیگری کار علمی و تحقیقی. و تا آنجا که می توانست از کارهای دیگر خودداری می کرد.

در زندگی شخصی با افراد اندکی رفت و آمد داشت و آنان همه کسانی بودند که با علم نسبتی داشتند. از این افراد می توان به سید نصرالله تقوی، محمد قزوینی، عباس اقبال، سید هادی سینا، عبد الحمید بدیع الزماتی، جمال الدین اخوی و جعفر سلطان القرائی اشاره کرد.

بسیار کم سفر می رفت، یک بار به سفر حج رفت و هر دو-سه سال یک بار در تابستان به مشهد می رفت.^{۱۰}

عشق و علاقه فراوانش به تحقیق و پژوهش هیچ گاه کم نشد و حتی با اینکه بدنش را به تیغ جراحان سپرد، باز با آن حال کسالت به پژوهش ادامه داد و نساتم الأسحار را تصحیح و چاپ کرد.

او تا آخرین روز عمر خود از تحقیق و تصحیح دست برنداشت. از جار و جنجال و هیاهو گریزان بود و شاید یکی از علت هایی که در هیچ روزنامه و مجله مقاله ای ننوشت، همین باشد.

ویژگی های فردی

الف. پشتکار و همت عالی: او محقق تلاشگر و دارای پشتکاری عجیب بود. و با اینکه کمتر از استاد بهره برده، به قله های رفیع علم دست یافته است.

برای حل مشکلات کتاب ها، روزها وقت می گذاشت، بعضی از کتاب هایی که او تصحیح کرده است سال ها طول کشیده اند، ولی او هرگز خسته نشده و کار را به انجام رساند. کار تصحیح تفسیر گازر حدود ۵ سال و نساتم الأسحار - با حجم اندک آن - حدود سه سال طول کشیده است.

همت استاد در چاپ کتب نیز ستودنی است. بسیاری از ساعت های

افق تاریک غرب و فتنه آذربایجان به سبب ورود روس ها به ایران، تبریز را ترک گفت و به تهران آمد و در کتابخانه ملی با سمت سرپرستی بخش نسخ خطی مشغول کار شد.

محدث هم به خاطر شوق و علاقه و هم به خاطر پشتکار و جدیت فراوان، از مخزن نسخ کتابخانه ملی بهره بسیار برد و مخصوصا چون دانشمندان به آن کتابخانه آمد و شد داشتند، نفس جمعی از آنان چون محمد قزوینی او را در کار دل گرم می کرد.^۴ او همچنین در این دوره با سید نصرالله تقوی آشنا شد و در مجالس روز جمعه او که مجالس علمی بود شرکت جست. تصحیح و چاپ دیوان حاج میرزا ابوالفضل طهرانی نتیجه آن آشنایی و دوستی است. توسط مرحوم تقوی با محمد قزوینی و پس از آن با عباس اقبال آشتیانی دوستی یافت. دوستی با سه دانشمند مذکور چنان محکم و خالصانه بود و در کار و زندگی او تأثیر گذاشت که تا آخر عمر از آن یاد می کرد.

در سال ۱۳۲۲ با دختر آیه الله سید احمد طالقانی، خواهر جلال آل احمد، ازدواج کرد. همسرش، زهرا بیگم، زنی شجاع و با ایمان و در مقابل ناسازگاری های زمانه مقاوم بود. ثمره این ازدواج چهار پسر و دو دختر بود،^۵ که دو تن از پسران آنها اهل علم و معروفند.

محدث در مدتی که در کتابخانه ملی بود، تحصیلات دانشگاهی را در دانشکده معقول و منقول به پایان برد،^۶ و با تصحیح کتاب فهرست منتخب الدین از آن دانشگاه با درجه عالی دکترا گرفت.

دانشکده معقول و منقول آن روز (الهیات کنونی) محدث را به همکاری دعوت کرد و او در سال ۱۳۳۵ به آنها پاسخ مثبت داد و تا ۱۳۴۷ - زمانی که بازنشسته شد - با آن دانشگاه همکاری کرد و البته باید گفت که دانشگاه تهران چنانکه باید از او بهره نبرد.^۷

او هر چند بیشترین سال های تحقیق و تدریسش را بیرون از حوزه علمی و «مدرسه» به معنای سنتی و حوزوی اش به سر برد و اگر چه با محیط و فرهنگ دانشگاهی آن روزگار سر و کار داشت و خود درس دبیرستانی و دانشگاهی خوانده بود و به مقام دکتری رسیده بود ولی از لحاظ رفتاری یک حوزوی اصیل ماند و شاید از همین جهت کمتر به «دکتر سید جلال الدین محدث» مشهور بود.^۸

در تحقیق و پژوهش اعتماد علما را به خود جلب کرد که نتیجه آن اجازات علمی فراوانی بود که از اساتید خود کسب کرده بود. او این اجازات را به دقت در صندوقچه ای نگهداری می کرد ولی با تأسف آن صندوقچه به سرقت رفت. البته پس از آن اجازات چندی از علمای دیگر گرفت که از جمله

۴. مجله آینده، ص ۹۵.

۵. از چشم برادر، شمس آل احمد، چاپ اول، تابستان ۶۹، انتشارات کتاب سعدی قم.

۶. مجله آینده، سال پنجم، ص ۹۵.

۷. مجله آینده، سال پنجم، ص ۹۵.

۸. فصلنامه میراث، سال دوم، ش ۱ و ۲، ص ۷۴، سال ۱۳۷۸، جویا جهانبخش.

۹. تعلیقات نقض، ج ۱، ص ۵۰.

۱۰. تعلیقات نقض، ج ۱، ص ۵۰.

عمرش را در چاپخانه ها گذرانده بود. در هنگام چاپ تفسیر گازر بیشتر روزها، در چاپخانه می ماند و همانجا ناهار می خورد.^{۱۱}
 ب. قدرشناسی: سپاس محقق از اشخاصی که از اثرشان استفاده می کنند نشان امانت داری و فروتنی او است.

او در تشکر از عبدالعظیم قریب و مجتبی مینوی می نویسد:
 نگارنده از این دو استاد محترم استفاده شایان کرده است و صریحاً اعتراف می کند که اگر مساعدت ایشان نمی بود تصحیح این دیوان (دیوان قوامی) به وضع حاضر برای وی میسر نمی شد...^{۱۲}

نیز در مقدمه نقض از عباس اقبال تشکر فراوان می کند. و از امام جمعه خوی به خاطر اشاره به حدیثی، نام می برد و سپاس خود را به او ابراز می دارد.^{۱۳}

ج. روحیه نقادی: کتاب هایی را می بینیم که جز مقابله نسخ با همدیگر، بر روی آنها کاری نشده است،^{۱۴} اما مرحوم ارموی در تصحیح روش نقادانه ای داشت. هم در تصحیح متن دقت کافی می کرد و هم با رعایت ادب کارهای دیگران را نقد می کرد و با کمال ادب و احترام از آنان یاد می کرد و اشتباهات آنان را گوشزد می کرد در این جابه برخی از نقدهای او اشاره می کنیم:

۱. نقدی بر عباس اقبال آشتیانی (دیوان قوامی)؛
 ۲. نقدی بر سیدعلیخان مدنی (دیوان قوامی)؛
 ۳. نقدی بر مرحوم محدث قمی (دیوان قوامی ص ۲۲۴-۲۲۹)؛
 ۴. بیان اشتباه عبدالعزیز جواهرالکلام (دیوان قوامی ص ۲۴۳)؛
 ۵. بیان اشتباه حاج ملاباقر واعظ تهرانی (دیوان قوامی ص ۲۴۲-۲۴۱).
- د. عشق و علاقه به اهل بیت (ع): محبت او به اهل بیت بسیار بود. سه عنوان از بزرگ ترین آثارش (تفسیر گازر، نقض، غارات) را به امام زمان (ع) اهدا کرده است، شرح دعای ندبه را به عشق اهل بیت تألیف کرد و فقط به خاطر استشمام شمیم معارف اهل بیت، کتاب زاد السالک فیض کاشانی و شرح مصباح الشریعه عبدالرزاق گیلانی را تصحیح کرد، و حال آنکه این دو کتاب به ظاهر مشرب تصوف دارند.^{۱۵} او جمع اسم و کنیه حضرت رسول را فقط برای امام زمان جایز می داند.^{۱۶}

است و یا کتاب نقض که یک متن فارسی قرن ششم است. محدث با تصحیح این گونه آثار دین خود را به فرهنگ این ملت و زبان فارسی نیز ادا کرده است.

او محققى توانمند و تلاشگر بود. می توان فعالیت های او را در تحقیق و پژوهش به چهار دسته تقسیم کرد:

۱. تصحیح؛ ۲. تألیف؛ ۳. ترجمه؛ ۴. تلاش در چاپ کتب نفیس قدما که دیگران تحقیق و تصحیح کرده اند.

گام در تصحیح کتب

دوره ای که محدث در آن می زیست از درخشان ترین دوره های دانشگاه تهران محسوب می شود و اگر بگوییم که دانشگاه، دیگر مثل آن دوران را نخواهد دید، سخنی به گزاف نگفته ایم، دوره ای که در آن بزرگانی مثل جلال الدین همائی، بدیع الزمان فروزانفر، محمد قزوینی، عباس اقبال، محمد تقی بهار و سید نصرالله تقوی (اخوی) گام های بزرگی برای احیای فرهنگ این مرز و بوم برداشتند.

اگر چه در آن میان افرادی بودند که حس ملی گرایانه شان بیش از احساس دینی بود، ولی از آنجا که ملیت این مرز و بوم با فرهنگ اسلام بخصوص تشیع گره خورده در بسیاری از موارد آنها ناخواسته در حوزه دین نیز کتبی را تصحیح کرده اند.

تفاوت ارموی در روزگار خود با جمعی از محققان آن روز اشتغال معتقدانه او به متون دینی بود.

کتبی که مرحوم محدث تصحیح کرده از لحاظ موضوعی بسیار متنوعند که به برخی از آنها اشاره می شود:

۱. تفسیر

تفسیر جلاء الاذهان و جلاء الاحزان معروف به تفسیر

۱۱. تعلیقات نقض، ج، ص ۹۸.

۱۲. دیوان قوام الدین رازی، ص «کو».

۱۳. الغارات، ج ۲، ص ۷۴۵.

۱۴. غنا و موسیقی، ج ۱، ص ۱۶، به نقل از جلال الدین همائی.

۱۵. آینه میراث، ص ۷۴.

۱۶. دیوان قوامی رازی، ص ۲۰۹.

سبب نشر تفسیر گازر

محدث ارموی در ۱۳۷۶ ق به زیارت حضرت امام رضا مشرف می‌شود. در این سفر یکی از دوستانش پیشنهاد می‌کند باهم کتابی را چاپ کنند که به دین و دنیای مسلمانان مفید و برای آنان مایه ثواب جاودانی و نیکنامی دو جهانی باشد. محدث جلاءالاذهان را انتخاب می‌کند؛ زیرا به نظرش چنین می‌آید که بی شبهه در چاپ و نشر آن رضای خالق و صلاح مخلوق هست. محدث کتاب را به امام زمان اهدا می‌کند.^{۱۹}

تصحیح کتاب حدود پنج سال طول می‌کشد. مقدمه دراز دامن مصحح شامل معرفی مؤلف و مؤلف و مقایسه بین دو تفسیر گازر و ابوالفتوح است. محدث در مقدمه می‌گوید: جرجانی تفسیر ابوالفتوح را که شاید از جهت جامعیت منحصر به فرد باشد شیره کشی کرده و چنان به خوبی از عهده برآمده که مورد تحسین اهل فن گردیده است.^{۲۰} و حیرت می‌کند از اینکه، چرا مصنف نامی از ابوالفتوح رازی نمی‌برد.^{۲۱} ولی در تکمله جلد یازدهم به اشتباه خود پی می‌برد و از سخن خود بر می‌گردد.

کار دیگر ایشان در تفسیر، تصحیح تفسیر شریف لاهیجی تألیف بهاالدین محمد بن شیخعلی شریف لاهیجی است. این تفسیر چهار جلد است که جلد سوم و چهارم آن را مرحوم دکتر ابراهیم آیتی تصحیح کرده است.^{۲۲}

۲. حدیث

الف) تصحیح محاسن برقی، تألیف ابوجعفر احمد بن محمد بن خالد برقی.

کتاب محاسن از کتب حدیثی معتبر شیعه، و از مصادر اصول کافی است؛ قاضی نورالله شوشتری معتقد است امهات کتب حدیث امامیه را باید شش کتاب دانست که پنجمین آن محاسن برقی است.^{۲۳}

مصحح در معرفی برقی مقدمه‌ای طولانی دارد و تصریح می‌کند: «او اولین کسی است که پرچم شیعه را در ری برافراخت».^{۲۴}

۱۷. تفسیر گازر، ج، مقدمه ص «مب».
۱۸. تفسیر گازر، ج ۱، ص ۴۹۳.
۱۹. تفسیر گازر، ج ۱، ص ۵۱۸-۵۱۹.
۲۰. تفسیر گازر، ج، مقدمه ص «مب».
۲۱. همان، ص «مب».
۲۲. تعلیقات نقض، ج، ص «شانزده».
۲۳. محاسن برقی، مقدمه ص «ی».
۲۴. محاسن برقی، مقدمه.

گازر، تألیف ابوالمحاسن بن حسن جرجانی، از تفاسیر معتبر شیعه است. این تفسیر خلاصه تفسیر ابوالفتوح رازی است که با اضافاتی نگاشته شده است. وی مطالبی از نظم و نثر و اخبار شیعه مخصوصاً راجع به فضایل سور بر مطالب ابوالفتوح افزوده است.

اهمیت تفسیر گازر

این تفسیر برای فارسی زبانان از نقطه نظر ملیت و فرهنگ اهمیت شایان و مقام بسزایی دارد و آن به فارسی سلیس و شیرین بودن آن است، که شاید تا حدی لطیف تر و شیرین تر از تفسیر شریف ابوالفتوح نیز باشد؛ زیرا پخته تر و آسان تر و در بیان مراد و فهم مطالب روشن تر است. سعید نفیسی خود می‌نویسد:

طبع و نشر تفسیرهای فارسی مخصوصاً آنها که از زمان‌های قدیم مانده است، گذشته از اجر معنوی، فواید ادبی گوناگون را به ما می‌رساند؛ زیرا در این کتاب‌ها از موضوع‌هایی بحث کرده‌اند که در کتاب‌های رایج تاریخ و ادبیات و غیره اثری از آنها نیست و ناچار عده کثیری لغات و اصطلاحات و تعبيرات و تلفیقاتی از زبان فارسی به کار برده‌اند که در جمع آوری و تدوین فرهنگ این زبان بیش از آنچه تصور برود اهمیت دارد.^{۱۷}

پس علاوه بر آنکه این کتاب از جنبه معنی و تفسیر، کلید فهم قرآن و ترجمان کلام یزدان است و این خود مقامی است که به عقیده ما مسلمانان بالادست و مافوق ندارد. از جنبه لفظ و تعبیر نیز پایه‌ای بس بلند و مرتبه بسیار ارجمند دارد؛ زیرا از متون مهم نشر فارسی است، به طوری که می‌توان گفت: گنجی سراسر گهر و درجی لبالب در است. و این جنبه اگر چه قابل مقایسه با جنبه نخستین نیست، تا بتواند در برابر آن عرض اندام کند، لیکن در حد خود قدر و قیمتی بسزا و ارزش و اهمیتی گرانبها دارد چنان‌که بر اهلس پوشیده نیست؛ مخصوصاً با توجه به اینکه ابوالمحاسن در همه جا به تلخیص و اختصار مطالب ابوالفتوح نپرداخته، بلکه در پاره‌ای موارد نظر داشته که به جای لغاتی که ابوالفتوح به کار برده، لغات دیگری که مفید همان معنی بوده، بیاورد. پس از این جهت نیز می‌توان گفت: این کتاب از منابع مهم لغوی و گنجینه‌های ارزشدار لغت فارسی است.^{۱۸}

همچنین در مقدمه به سخنانی که به برقی ضعف‌هایی را نسبت داده‌اند اشاره می‌کند و به رد آنها می‌پردازد. مثلاً اینکه گفته‌اند برقی به جبر و تشبیه قایل بوده است.

ب) تصحیح شرح فارسی شهاب‌الآخبار (کلمات قصار پیغمبر خاتم) تألیف قاضی قضاعی.

این کتاب شرحی است بر شهاب‌الآخبار قاضی قضاعی؛ لیکن چون آغاز و انجام آن ناقص است (ساقط از اوّل مقدمه است و کتاب از اولین حدیث شروع می‌شود) معلوم نمی‌شود که شارح کیست همین قدر معلوم می‌شود که وی شیعی دوازده امامی بوده و به سال ۶۹۰ ق آن را نوشته است.^{۲۵} محدث در سبب نشر این کتاب گوید:

۱. این کتاب شرح کلمات طیبه رسول اکرم است؛ پس هر مسلمانی از ملاحظه آن بهره‌مند و از مطالعه آن کامیاب تواند شد.
۲. این اثر به نثر شیرین فارسی تألیف شده است و فارسی آن به روش و اسلوب فارسی سلیس شیوای قرن هفتم هجری به رشته تحریر درآمده است و پختگی و حلاوت نثر فارسی آن عصر محتاج به شرح و بیان نیست.

۳. نسخ آن بسیار اندک و نایاب است؛ به طوری که اگر اقدام به چاپش نمی‌شد بیم آن می‌رفت که کتاب یک دفعه از میان برود و دستخوش حوادث روزگار گردد و این خود ضایعه بزرگ جبران‌ناپذیری می‌باشد.

۴. مهیا شدن اموری از جمله پیدا شدن نسخه بسیار قدیم از این کتاب.^{۲۶}

کتاب دیگری که در این موضوع تصحیح کرده، شرح فارسی غرر الحکم و درر الکلم آمدی، از جمال‌الدین خوانساری است که آن را انتشارات دانشگاه تهران در شش جلد + یک جلد فهرست، چاپ کرده است.

۳. کلام

الف. میزان الملل، تألیف علی‌بخش میرزا قاجار. کتابی جدلی-کلامی.

این کتاب اولین کتاب چاپی محدث است که در سال ۱۳۲۴ چاپ شده است.

مؤلف کتاب انگیزه خود را از تألیف «هدایت جوانان هم‌مذهب و هم‌وطن و تشیید پایه دین و مذهب ایشان به وسیله اثبات حقیقت دین اسلام و مذهب جعفری و نصیحت و اندرز به ایشان»^{۲۷} می‌داند.

این کتاب نثری زیبا و خواندنی دارد و ارزش چاپ دوباره دارد. مؤلف کتاب از تحصیل کرده‌های دارالفنون و فرنگ دیده

است؛ برای همین هم در استفاده از ضرب‌المثل‌ها و آوردن شاهد مثال، زبانی اجتماعی دارد. بخش اوّل کتاب بیشتر مباحث عقلی است، و بخش دوم، به زندگی پیامبر اکرم اختصاص دارد.^{۲۸}

محدث که این کتاب را به امر آیه‌الله سید کاظم موسوی تبریزی تصحیح کرده و به همو نیز اهدا کرده است. در مورد تصحیح این کتاب می‌گوید:

در تصحیح قسمت اوّل کتاب بیشتر از قسمت آخر سعی کردم، برای اینکه حالات خاتم‌الانبیاء در کتب معتبر عربی و فارسی مشروحاً و ملخصاً بیان شده است، هر که طالب باشد، به آسانی می‌تواند دسترسی پیدا کند، به خلاف قسمت‌های اوّل که سبب نشر کتاب، آنها می‌باشد؛ زیرا مطالعه مطالب مندرج در قسمت اوّل، برای غالب افراد جامعه تشیع و مخصوصاً نوع جوانان، بسیار مفید به نظر می‌آمد، نگارنده نیز، در تصحیح آن در حد امکان سعی کرد و از تصرف و مداخله در کتاب خودداری نمود.^{۲۹}

ب. الصوارم المهرقة فی نقد الصواعق المحرقة، تألیف قاضی نورالله شوشتری.

این کتاب رد صواعق‌المحرقة ابن حجر هیتمی است. شوشتری در این کتاب تنها خلافت ابی‌بکر را بررسی کرده است. او می‌گوید: «وقتی بطلان حقیقت ابوبکر ثابت شد، همان سخن در خلافت عمر نیز است. و بطلان اول لازم می‌آورد بطلان دومی را و همچنین سخن در خلافت عثمان».^{۳۰}

محدث، زندگی‌نامه مؤلف را با نام فیض الآله فی ترجمه قاضی نورالله «برای ادا کردن حق این سید بزرگوار بر شیعه و

۲۵. شهاب‌الآخبار، ص ۱۱، چاپ دوم ۱۳۶۱، انتشارات علمی و فرهنگی.

۲۶. شرح فارسی شهاب‌الآخبار، مقدمه ص «بیج».

۲۷. میزان الملل، ص ۱۲ و ۱۱۱.

۲۸. حضرت آقای جعفریان در نقد و معرفی این کتاب مقاله‌ای نوشته است (مقالات تاریخی، ج ۳، ص ۱).

۲۹. میزان الملل، مقدمه ص «ز».

۳۰. الصوارم المهرقة فی نقد الصواعق المحرقة، ص ۳۴۰، چاپ ۱۳۶۷ ق، چاپخانه شرکت سهامی طبع کتاب.

با کتاب نقض آشنا می شود. و علاقه شدیدی به آن احساس می کند و آرزوی مطالعه آن را در سر می پرورد.

بعد از شروع جنگ جهانی دوم که به تهران برمی گردد، روزی می شنود که نسخه ای از این کتاب نزد محمد قزوینی است. به نزد او رفته و علاقه خود را به آن کتاب شرح می دهد، قزوینی با خوشرویی او را می پذیرد و نسخه کتاب را - که با اقبال آشتیانی مشغول تصحیح بوده اند و به خاطر موانعی کار تعطیل شده بود - به محدث می دهد. بعد از اینکه محدث شروع به تصحیح نقض می کند، مرحوم جواد کمالیان به اتفاق هانری کرین - رئیس انستیتوی ایران و فرانسه، که از موضوع باخبر شده بودند - نزد محدث آمده و پیشنهاد می کنند که این کتاب را در فرانسه چاپ کنند و هزینه اش را نیز انستیتو بپردازد.

محدث در این باره گوید:

من از باب تردیدی که داشتم پاسخ را در رد و قبول این پیشنهاد به بعد موقوف کردم و برای مشورت پیش مرحوم قزوینی رفتم و موضوع را با او در میان نهادم. آن مرحوم به هیچ وجه مصلحت ندانستند و فرمودند که: «این کتاب چهره مذهبی دارد، پای معارضه سنی و شیعه در میان است. مؤلف آنکه یک عالم شیعی است در مقام ردّ تهمت هایی است که یک عالم سنی مذهب، به جهل، به آیین تشیع وارد می کند. با این وصف اگر در پاریس و یا در دیگر شهرهای بلاد فرنگ به چاپ برسد و انتشار یابد ناچار رنگ سیاست به خود خواهد گرفت... بدیهی است که در این صورت در انظار مردم کم عیار و بی مقدار خواهد شد و از ارزش و اعتبار واقعی آن خواهد کاست، هنوز در مملکت ما اشخاصی هستند که نشر و اشاعه این قبیل آثار را از فرایض و وظایف حتمیه خود می دانند... آن مرحوم در انکار این امر به حدی اصرار فرمود که من از گفته خود پشیمان و بسیار شرمنده و خجل شدم و در ملاقات بعدی به مرحوم کمالیان پاسخ منفی دادم و مشغول کار خود شدم.^{۲۶}

ایضاً وظیفه شکر در مقابل آنچه از احسان او بر ما می آید» به ضمیمه این کتاب چاپ کرده است.

۴. تاریخ

الف. نقض و تعلیقات آن.

در میان کارهای محدث که همه شاخصند، تصحیح و تحشیه نقض^{۲۱} و نگارش تعلیقات گرانبار آن از همه شاخص تر است. محدث ارموی با تحقیق درباره نقض به افق تقریباً فراموش شده ای^{۲۲} در تحقیق و تصحیح متون دست یافت.

در سلسله کارهای آن مرحوم آثاری چون محاسن برقی قرار دارند که از حیث اهمیت اختری درخشان و پرتو افشان در سپهر حدیث نامه های شیعی و بنیادهای حدیثی مذهب به شمار می رود و آثار دیگری چون الأصول الاصلیه (تألیف فیض)، الغارات، ... که هر کدام برای صاحب اثر کار نامه درخشانده ای هستند، اما با این همه نقض از جهت مجموع ویژگی های یک اثر محقق (محتوا، پایگاه مؤلف، شیوه تحقیق مصحح، کامیابی نهایی، تحقیق، جلب توجه اهل پژوهش) پایگاهی یگانه و منحصر به فرد دارد، از جهت زحمتی که مصحح برای تحقیق آن کشیده و عمری که بر سرش نهاده و اینکه حقیقتاً این متن کرامند به دست وی «احیا» گردیده، در ذهن پژوهندگان و کتابشناسان و منتقدان، نام «محدث ارموی» و نام «نقض» هریک یادآور دیگری است.^{۲۳}

افزون بر ارزش مذهبی نقض - که در رد کتاب یکی از علمای اهل سنت است که بر شیعه ناخفته بوده - از آن لحاظ که یکی از متون قدیم فارسی است که فقط چند سالی بعد از چهار مقاله نظامی عروضی و مقامات حمیدی تألیف شده و مشتمل بر بسیاری از مطالب مهم تاریخی و ادبی است، نسخه ای بسیار نفیس و گرانبهاست.^{۲۴}

محدث، هدف از تصحیح نقض را «احیای یکی از گنجینه های فکری مسلمانان می داند که دارای فواید کلامی و تاریخی و رجالی و ادبی و جغرافی است و پنجاه و چند سال قبل از حمله مغول تألیف شده است».^{۲۵}

آشنایی محدث با کتاب نقض

او در جوانی زمانی که به مطالعه مجالس المؤمنین قاضی نورالله شوشتری - که نقض یکی از منابع آن است - مشغول بوده

۲۱. معروف به بعضی مشالب النواصب فی نقض بعضی فصاح الروافض تألیف

نصیرالدین ابو الرشید عبد الجلیل قزوینی رازی نوشته شده حدود ۵۶۰ ق

۲۲. تحقیق در متن های شیعی فارسی پیش از صفویه و حتی قبل از مغول مانند نقض و دیوان قوامی رازی.

۲۳. آینه میراث، ص ۷۶.

۲۴. تعلیقات نقض، ص ده، به نقل از مقاله «بندار رازی» از عباس اقبال.

۲۵. تعلیقات نقض، مقدمه ص چهل و هفت.

۲۶. تعلیقات نقض، مقدمه مصحح ص پنج.



محدث در تمام عمر به نقض می اندیشید و برای آن مطلب جمع کرده و تحقیق می نمود. ۳۷

به دو نمونه از کارهای محدث که بیشترین انگیزه در تصحیح آنها حل مشکلات نقض بوده است اشاره می کنیم:

۱. تصحیح دیوان ابی الرضا راوندی (سید ضیاءالدین ابوالرضا حسنی راوندی کاشانی).

این دیوان مشتمل بر یکهزار و نهصد و پانزده بیت است که پنجاه بیت آن اشعاری است که دیگران گفته اند. ۳۸

این کار محدث با دیگر کارهای او از جهت تعلیقات آن به دو زبان عربی و فارسی است متفاوت است. تعلیقات عربی شامل توضیح لغات مشکل و نکات ادبی دیوان است. اما تعلیقات فارسی تألیف جداگانه ای است. این تألیف با عنوان فوائد تاریخی و رجالی دیوان، نوشته شده است.

او در سبب چاپ این دیوان می گوید:

پس از آنکه موفق به چاپ کتاب نقض شدیم دیدم در آن مشکلاتی وجود دارد که بدون مراجعه به کتاب هایی که در عصر مؤلف نوشته شده اند به حل آنها موفق نمی شوم... و این دیوان که دارای مطالبی بود که بعضی از مشکلات نقض را حل می کرد و از طرفی فواید دیگری بر آن مترتب بود. این کتاب در حکم یک تاریخ قدیمی برای بلاد کاشان به شمار می رود. ۳۹

۲. تصحیح دیوان قوامی رازی (شرف الشعرا بدرالدین قوامی رازی از گویندگان نیمه اول قرن ششم هجری).

او در سبب چاپ و نشر این دیوان می گوید:

بعد از آنکه نگارنده به طبع و نشر کتاب نقض موفق شد به مطالب بسیاری برخورد کرد که مشکلات آنها به جز با مراجعه به تألیفات معاصرین شیخ قابل حل نبود، ناچار نگارنده به مقام فحص از این آثار برآمد... چون نگارنده دیوان حاضر را از نظر گذرانید معلوم شد که قسمتی از آن مشکلات با مراجعه به آن دیوان حل می شود. بنابراین به طبع و نشر آن مبادرت کرد. ۴۰

ب. نسائم الأسحار من لطائف الأخبار در تاریخ وزرا، تألیف ناصر الدین منشی کرمانی به سال ۷۲۵ق.

بعد از آنکه محدث برای تدریس به دانشگاه می رود مرحوم فروزانفر از او می خواهد که یکی از دو کتاب مهم ادبی-تاریخی ربیع الأجرار زمخشری، یا خريدة القصر عماد کاتب (قسمت مربوط به ایران) را تصحیح کند؛ ولی محدث به جهت بیماری و اینکه پزشکان او را از پرداختن به امور علمی ای که مستلزم اعمال نظر دقیق است منع کرده بودند، از پذیرفتن آن دو امتناع می کند،

و اجازه می خواهد که کتاب کم زحمت تری را انتخاب کند و نسائم الأسحار را پیشنهاد می کند که تصویب می شود. ولی بعد از شروع کار معلوم می شود که اصلاح و تصحیح این نسخه کم حجم پر معنی نیز - مخصوصا با توجه به مجهول المؤلف بودن آن - کار طاقت فرسایی بوده است. ۴۱ محدث برای قدردانی از فروزانفر، این اثر را به او اهدا می کند.

تصحیح این کتاب از چند جهت دارای ارزش است:

۱. این کتاب مجهول المؤلف بوده ۴۲ و محدث با تحقیق مؤلف آن را تعیین کرده است گوید: «تعیین مؤلف آن قریب سه سال فکر مرا مشغول کرده بود و قسمت عظیمی از وقت مرا به خود گرفته بود که نشر این کتاب از آن جهت به تأخیر افتاد». ۴۳

۲. او با تحقیق در نسائم الأسحار و مراجعه به سمط العلی و درة الأخبار ثابت کرده که مؤلف هر سه کتاب، یک نفر است. دلیل ها و براهین این امر را به طور مبسوط در مقدمه کتاب آورده است. ۴۴

همچنین به علت مراجعه به سمط العلی و درة الأخبار، بعضی از اغلاط آنها را اصلاح و برای همین آرزو می کند: «بی میل نیستم که این سه کتاب یعنی نسائم و درة و سمط را به

۳۷. به یک نمونه از دقت های او در حل مشکلات نقض توجه کنید: در شرح حال شرف الدین مرتضی در نسخه های نقض از جمله ماترك او را چهار صد حصه مفرد آورده بودند که حصه مفرد نامفهوم و بی معنی است. او با مراجعه به دیوان قوامی رازی می فهمد که آن ترجمه عبارت «اربع مائة من لؤلؤ» است که چهار صد من خوضه (مروارید) مفرد است که کلمه خوضه به حصه تصحیف و تحریف شده بوده است. (دیوان قوامی، ص ۱۹۹).

۳۸. رك: دیوان ابی الرضا راوندی، ص ۲۲۰ و ۲۶۸، چاپ ۱۳۷۴ق.

۳۹. همان، مقدمه ص «لد».

۴۰. دیوان قوامی رازی، مقدمه ص «كج»، چاپ ۱۳۷۴ق ۱۳۳۴ش، چاپخانه سپهر.

۴۱. همان، ص «صا».

۴۲. نسائم الأسحار من لطائف الأخبار در تاریخ وزرا، ص «صط»، چاپ دوم ۱۳۶۴، انتشارات اطلاعات.

۴۳. همان، ص «صا».

۴۴. نسائم الأسحار، مقدمه ص «الف-صط».

آنها را تصحیح کند، ولی از آنجا که محدث مشغول تصحیح تفسیر گازر بوده، از قبول آنها عذر می آورد، و انجام آنها را موکول به فراغت از آن کار سنگین می کند.
محدث می گوید:

ولی چون این امتناع من تا حدی خلاف ادب و اخلاق به نظر می رسید، عرض کردم نظر به علاقه ای که به علم رجال دارم، و با کتاب فهرست منتجب الدین مأنوس بوده ام، و مخصوصاً در تصحیح نقض، بر حسب ضرورت از اوگ تا آخر و مکرر در مکرر، با نهایت دقت و مراجعه به نسخ قدیمی، آن را مطالعه کرده ام، و به اهمیت آن بیش از پیش پی برده، مقام و ارزش آن را چنان که شاید و باید فهمیده ام، و مایلیم که به چاپ آن پردازم، و اگر حضرت تعالی کتاب مرتب شده خود را لطف کنید من حاضرم آن را ملاک قرار داده و کتاب را تصحیح کنم.^{۴۷}

آقای بروجردی کتاب را به ایشان می دهند، ولی متأسفانه قبل از اینکه این کار به انجام برسد بدرود حیات می گویند.
مرحوم ارموی در ۱۳۴۲ تحقیق این کتاب را به عنوان پایان نامه دکتری، در علوم منقول تقدیم دانشگاه تهران نمود که پس از بررسی با درجه ممتاز مورد قبول واقع شد، و به دریافت مدرک دکتری نایل گردید.^{۴۸}
آن مرحوم در نظر داشت مجدداً این تعلیقات را بررسی کند ولی افسوس این فرصت را نیافت.^{۴۹} این کتاب بالاخره در ۱۳۶۵ به همت سید محمود مرعشی و به کوشش محمد سمایی حائری چاپ شد.
کارهایی که محدث در تصحیح فهرست منتجب الدین انجام داده اند:

۱. شرح زندگی منتجب الدین؛
۲. تعلیقه و شرح زندگی بسیاری از رجال و خاندان های معروف که در فهرست آمده است، از جمله خاندان راوندی، خاندان عجلی، عبد الجلیل رازی و ...
- مجموع این تعلیقات، خود کتابی است که نیاز است فهرست بندی شده و موضوعات آن از هم تفکیک شوند.
۳. ذکر موارد استفاده این حجر عسقلانی، صاحب لسان المیزان، از کتاب تاریخ ری منتجب الدین، که حدود ۴۷ مورد بوده است.^{۵۰}

۴۵. همان، ص ۱۶۰.

۴۶. الفارات، ص ۶، ترجمه عزیزالله عطاردی.

۴۷. فهرست منتجب الدین، ص ۲۳-۲۵.

۴۸. فهرست منتجب الدین، ص پانزده.

۴۹. تعلیقات نقض، مقدمه ص ۸۱.

۵۰. فهرست منتجب الدین، ص ۱-۱۶.

تصحیح کامل، در یک مجلد بار دیگر، به طبع رسانم».^{۴۵}

محدث این کتاب را از چند جهت تحسین می کند:

۱. مؤلف ضنائم الأسحار در شرح حال اشخاص پارا از حد اعتدال بیرون ننهاد و به مدح و قدح بی مورد پرداخته است؛
۲. موضوعات مهم را که لازم بوده در شرح حال اشخاص آورده است؛

۳. چون مؤلف در ادبیات بسیار قوی بوده، مطالب را، به بیانی رسا و عبارتی زیبا و سبکی نمکین و طرزی دلنشین ادا کرده است؛
۴. از مآخذ مهم و معتبر پیشین بهره برده است.

ج. تصحیح کتاب الفارات، تألیف ابو اسحاق ثقفی کوفی

تعلیقات محدث بر این کتاب، بیش از دو برابر حجم اصل کتاب است. و مقدمه ای نسبتاً طولانی در معرفی مؤلف آن آورده است.

حضرت آقای عطاردی درباره ارزش کار محدث می گوید:

جامع ترین شرح حال و آثار مؤلف غارات نوشته های مرحوم استاد سید جلال الدین محدث (رضوان الله علیه) است.
... آن استاد بزرگوار همه مصادر و مآخذ را در این موضوع دیده و بررسی کرده و تحقیق بسیار جامعی انجام داده و جایی برای محققان باقی نگذاشته است.^{۴۶}

۵. رجال

الف) فهرست منتجب الدین، تألیف منتجب الدین علی بن ابی القاسم الثقفی.

این کتاب از کتب معتبر رجالی شیعه است.

منتجب الدین از میان آثار مفیدی که از خود به یادگار باقی نهاده به وسیله کتاب کوچک خود (فهرست منتجب الدین) حق بزرگی بر گردن علمای شیعه دارد. او به وسیله این کتاب، نام گروهی از علمای اعلام و زعمای اسلام را در صفحه روزگار زنده نگاه داشته است. نظر به اهمیت کتاب، بزرگان شیعه پیوسته به استنساخ و نقل روایت و حفظ نسخه آن مبادرت کرده اند. چنانکه شهید اوگ شخصاً به استنساخ این کتاب پرداخته است.

محدث به حضور مرحوم آیه الله بروجردی می رسد. ایشان چند کتاب را نام می برند، و به محدث پیشنهاد می کنند که یکی از

۴. ذکر موارد استفاده رافعی از منتجب الدین که حدود ۲۴ مورد است. ۵۱

شایان ذکر است که رافعی، شاگرد منتجب الدین بوده، و گویا منتجب الدین نزد وی تقیه می کرده است. ۵۲
۵. تألیف مقاله «فایده علم تاریخ». ۵۳

۶. عرفان

الف. تصحیح شرح فارسی مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه، از عبدالرزاق گیلانی:

مصباح الشریعه را عده ای از علمای شیعه معتبر می دانند و به آن اعتماد می کنند. سیدبن طاوس و شهیدثانی از آن جمله هستند. در مقابل عده ای از علما آن را مورد اعتماد و قابل استناد نمی دانند، که شیخ حر عاملی از این گروه است. هر کدام از این دو گروه برای سخن خود دلایل و براهینی دارند که علاقه مندان می توانند به مقدمه محدث در شرح مصباح الشریعه مراجعه کنند.

محدث بعد از نقل سخن علما چنین نظر می دهد:

این کتاب با اینکه بدین وضع و کیفیت و اسلوبی که هست به طور قطع و یقین نمی تواند از حضرت صادق باشد و دلایل این مطلب در هر باب، از ملاحظه عبارات آن باب، که متن کتاب است، مشهود و هویدا است... ۵۴
نیز در جای دیگر می گوید:

امر در این قبیل کتب، شاید همان طور باشد که میدی در مقدمه شرح دیوان منسوب به امیر المؤمنین گفته است: «هر چند که به یقین معلوم نیست که این بحر از خاشاک شعر، غیر صافی است اگر یک بیت شعر اوست مرا در دنیا و عقبی کافی است». ۵۵
محدث رساله نیت، از آقا جمال الدین خوانساری را، نیز به ضمیمه این کتاب چاپ کرده است.

از کارهای سودمند محدث در این کتاب، افزودن باب ۶۹ است؛ بابی که به نام معرفه الاثمه، در مصباح الشریعه بوده و بعضی از منحرفان و دسیسه کاران آن را از بعضی نسخ اسقاط کرده و باب معرفه الصحابه را به جای آن گذارده بودند.

ب. آثار تألیفی:

محدث ارموی در کنار سال ها تحقیق و تصحیح چند کتاب نیز تألیف کرد که می توان به کتب زیر اشاره کرد:

۱. کشف الکربة فی شرح دعاء الندبه

او در جهت ارادت بی شائبه و مخلصانه و عشق بی کرانی که به ساحت مقدس خاندان وحی داشت و بخصوص به امام زمان عشق

می ورزید و چند عنوان از بزرگ ترین کارهای خود را به ساحت آن عزیز اهدا کرده است به تألیف شرحی بر دعای ندبه پرداخت. دکتر علی محدث فرزند مؤلف در مورد این کتاب می گوید:

این کتاب نتیجه شصت سال کار آن فقیه است. او به دعای ندبه عشق فراوانی داشت و از آغاز جوانی خود به آن دعا اهتمام می نمود. و از چند تن از استادان خود خواسته بود آن را شرح نمایند که ایشان نیز خواسته او را اجابت نمودند و یکی از آنان آن را در ار حوزة ای منظوم ساخت. آن شروع در کتابخانه او موجود است و در ذریعه شیخ آقا بزرگ تهرانی معرفی شده است.

خود آن فقیه چون آن شروع را کافی و شافی نیافت از همان دوره جوانی به شرح دعای ندبه اهتمام ورزید و تا آخر عمر به آن مشغول بود. خصوصاً در اواخر عمر چند سالی مستقیماً به آن پرداخت ولی از آنجا که آن مرحوم و سواس عجیبی داشت که مطلبی را فروگذار نکند موفق نشد تألیف آن را خود به پایان برد و به چاپ رساند. ۵۶

۲. شرح بر الأصول الأصلیه فیض کاشانی. شرحی است مفصل بر آن کتاب که در جوانی نوشته است.
 ۳. برگ سبزه، که جنگ نظم و نثر است. شروع تألیف آن ۱۰ مرداد ۱۳۲۹ است.
 ۴. ایمان و رجعت در چهار جلد.
 ۵. تشریح الزلازل بأحادیث الأفاضل.
 ۶. عشق و محبت.
- این کتاب ها تاکنون چاپ نشده اند.

ج. ترجمه

ترجمه وسیلة القربه فی شرح الندبه که تاکنون چاپ نشده است.

۵۱. فهرست منتجب الدین، ص ۱۷-۱۹.

۵۲. فهرست منتجب الدین، ص ۱۶.

۵۳. همان، ص ۷.

۵۴. مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه، مقدمه ص «کو»، نشر صدوق، چاپ سوم پاییز ۱۳۶۶، با مقدمه و تصحیح جلال الدین ارموی «محدث».

۵۵. همان، ص ۵۹۴.

۵۶. تعلیقات نفوس، ص ۱۶.

محدث، کلامشان جدا مورد اعتماد است ...» ۵۹. نیز او را با عنوان دانشمند معاصر از اشخاص کم نظیر در تنوع و استقصا می داند. ۶۰

مرحوم آقا بزرگ تهرانی او را «عالم، ادیب و مصنف چیره دست» می داند. ۶۱ و آقای اشکوری محبت او را به اهل بیت چنین می ستاید:

آن مرحوم شدید التعصب بود در ولایت اهل بیت و معتقد بود که حق یافت نمی شود مگر در احادیث مأثوره از ایشان و اسلام صحیح ممکن نیست مگر به پیروی از ایشان و گرفتن از آنها و برای همین سخت دفاع می کرد از مذهب اهل بیت. ۶۲

حضرت آقای عطاردی می نویسد: «استاد سید جلال الدین محدث مردی محقق و سخت کوش بود و در کار خود بسیار مهارت داشت ...» ۶۳

ایرج افشار او را چنین وصف می کند:

از صفات بارز محدث در تصحیح متون تجسس متوالی و متداوم و خستگی ناپذیرش در جمع آوری نسخ متونی بود که قصد تصحیح آنها می کرد. او در این راه هر نوع کوشش را می پسندید و به هر وسیله متشبت می شد تا نسخ مورد احتیاج را به دست آورد و هم آنکه پس از آن در تصحیح و حل مشکلات متن به این و آن و هر مطلعی که می شناخت مراجعه می کرد. ۶۴

وفات

او سرانجام بعد از سال ها تحقیق و تصحیح و تألیف در روز شنبه پنجم آبان ماه ۱۳۵۸ بدرود حیات گفت و در جوار حرم حضرت عبد العظیم حسنی به خاک سپرده شد.



۵۷. مجله آینده، ص ۹۵.

۵۸. آینه میراث، ص ۷۷.

۵۹. یادنامه هلامه امینی (مجموعه مقالات تحقیقی)، ص ۳۹، به اهتمام دکتر سید جعفر شهیدی محمدرضا حکیمی، ۱۳۶۱ ش ۱۴۰۳ ق.

۶۰. همان، ص ۴.

۶۱. طبقات اهلام الشیعه، قرن چهاردهم، ص ۳۰۶، چاپ دوم ۱۴۰۴، دار امرتضی مشهد.

۶۲. اختران فروزان ری و طهران با تذکرة المقابر فی احوال المفخر، ص ۲۱.

۶۳. ترجمة الغارات (عزیز الله عطاردی)، ص ۱۹ و ۲۰.

۶۴. مجله آینده، سال ۵، ص ۹۵۰.

همچنین برای چاپ آثار ماندگار علما اقدام می کرد؛ مثلا الفصول الفخریه فی اصول البریه، تألیف نسابة معروف جمال الدین احمد بن عنبه (مؤلف عمدة الطالب) را با تصحیح سید کاظم موسوی به چاپ رساند. این کتاب علاوه بر مقدمه محدث، مقدمه ای نیز از جلال الدین همائی دارد.

شیوه تصحیح و نگارش محدث

ایرج افشار در این باره می گوید:

محدث اصلا مقاله نویس نبود و از او هیچ نوشته مستقل کوتاه ندیده ایم. در مقدمه نویسی بر کتب و تعلیقه نویسی بر متون سلیقه و رویه ای خاص داشت، از یک مطلب چون متوجه مطلب دیگر می شد، آن مطلب تازه یاب را که خود مفید می یافت در نوشته خویش وارد می کرد و از دراز شدن و چند مطلبی شدن موضوع پرهیز نداشت. این است که تعلیقاتش بر کتب مملو است از اطلاعات متنوع و مفید و اکثرا به طور تداعی. ۵۷

جویا جهانبخش نیز می نویسد:

شیوه تصحیح استاد محدث تا اندازه زیادی سستی و قدمایی و دست کم متأدب به بعضی آداب نگارشی و نگرشی علمای سلف بود. مقدمه های او بر تصحیح هایش معمولا آکنده از اقوال اصحاب تراجم و عین عبارات مأخذ اصلی و از تبویب و تحریر امروزی کم بهره است ... سیمای مقدمه هایی که به قلم ایشان رقم زده شده، بیشتر یادآور مرقومات متتبعان قدیم و میراث پیشینیان است ...

مرحوم محدث گاهی زمام قلم را رها کرده در مقدمه ای که به زبان فارسی می نوشت عناوین و حتی بعضی بخش ها را به عربی تحریر می کرد.

به هر حال این مقدمه ها نمودار توغّل آن مرحوم در متون قدیم و مصادر عمده و معتبر است که سخت کوشانه مورد بحث و فحص بلیغ قرار داده.

یکی از نمونه های توجه مرحوم محدث به مصادر و منابع اصلی و لزوم رجوع به آنها فهرستی است که برای اسماعال جمال التدوین رافعی ترتیب داده و منتشر کرده و چنانکه استاد جمشید سروشیار برای بنده از خود آن مرحوم نقل می کردند به سبب متسنانه بودن متن التدوین از تحقیق آن، تن زده است. ۵۸

در حدیث دیگران

محدث ارموی با تلاش و کوشش خود بسیاری از علما را به تحسین واداشته است. آیه الله شبیری زنجانی می گوید: «آقای